



پرسش و پاسخ پیرامون گریه بر مصائب اهل بیت(ع)، فضیلت عزاداری و آسیب شناسی عزاداری

درایام تاسوعا و عاشورای حسینی(ع)، پرسش‌هایی با موضوع گریه بر مصائب اهل بیت(ع)، فضیلت عزاداری و آسیب شناسی عزاداری، همراه با پاسخ آیت‌الله مظاهری به آن پرسش‌ها، از نظر خوانندگان می‌گذرد.

درایام تاسوعا و عاشورای حسینی(ع)، پرسش‌هایی با موضوع گریه بر مصائب اهل بیت(ع)، فضیلت عزاداری و آسیب شناسی عزاداری، همراه با پاسخ آیت‌الله مظاهری به آن پرسش‌ها، از نظر خوانندگان می‌گذرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، این پرسش‌ها و پاسخ‌ها، گزیده‌ای از دفتر سوّم کتاب «اندیشه‌های ناب» است که با موضوع «فضائل و قیام امام حسین(ع)»، چاپ شده است.

کتاب مزبور که در قالب پرسش و پاسخ تنظیم شده است، از شانزده فصل اصلی تشکیل شده و حاوی پاسخ‌های آیت‌الله مظاهری به دویست پرسش متفاوت پیرامون جنبه‌های مختلف شخصیت و فضائل امام حسین(ع) و نیز قیام سرنوشت‌ساز ایشان، وقایع عاشورا و مسائل پیرامون آن از جمله عزاداری، می‌باشد.

برخورداری از بیانی روان و نیز رعایت اختصار در پاسخ‌ها، همچنین ارائه مستندات روایی و تاریخی مفصل پاسخ‌ها در پاورقی و تنوّع در سؤالات و موضوعات مرتبط، از ویژگی‌های اثر حاضر است.

چرا امام زمان(عج) هر صبح و عصر، بنا بر زیارت ناحیه مقدّسه، بر امام حسین(ع) گریه می‌کنند؟ اینکه در آن زیارت می‌فرمایند: «بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا» یعنی چه؟

زیرا این مصیبت و پیام‌های این حادثه مصیبت‌بار، هیچ‌گاه نباید فراموش گردد و خون گریستن[1] هم کنایه از شدت حزن و عزا است.

هدف از گریه کردن بر اهل بیت(ع) و تبایک (خود را به گریه واداشتن) و معنی گریه ما بر امام حسین(ع) چیست؟

گریه و تبایک از بارزترین مصادیق عزاداری است و هدف از گریه کردن بر مصائب حضرات اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به‌خصوص امام حسین(ع)، همان هدف از عزاداری است و آن زنده نگاه‌داشتن تشیّع و احیاء روحیه ایثار، گذشت، فداکاری و شهادت‌طلبی برای دین خداست؛ از این جهت هم، افضل اعمال و قربات است. علاوه بر این، معنا ندارد که انسان عاطفی، مصائب حسینی را بشنود و ناراحت نشود و دل او نسوزد و گریه نکند و لاقلاً تبایک نداشته باشد.

اینکه در روایات گفته شده شرکت در جلسه عزای امام حسین(ع) و گریه و عزاداری، گناهان انسان را محو می‌کند یا اینکه می‌فرمایند: اگر کسی حتی به اندازهٔ بال مگسی بر مصائب اهل بیت(ع) گریه کند، بهشت بر او واجب می‌شود،[2] چگونه توجیه و تحلیل می‌شود؟ به عبارت روشن‌تر، چگونه فردی می‌تواند عمری گناه کند و با شرکت در یک جلسهٔ عزاداری یا با قطره‌ای اشک، بهشتی شود؟

این‌گونه روایات به‌اندازهٔ تواتر است و مورد تشکیک نیست و معنای همهٔ آنها این است که هر کس در این مجالس، رابطهٔ عاطفی و رابطهٔ عملی با ولایت پیدا کرد و نظیر حضرت حرّ بن یزید ریاحی، حسینی شد و پشیمان از گناهان خود گردید، بهشت بر او واجب می‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید جهنّم او مبدّل به بهشت می‌شود: «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»؛[3] پروندهٔ تاریک او نابود می‌شود و پروندهٔ درخشانی که صفحهٔ اوّل آن توبه و ثواب آن است و از هر ثوابی بالاتر است، باز می‌شود.

بلی، اگر در این‌گونه مجالس، فقط رابطهٔ عاطفی باشد، ثواب آن از هر حج و عمره‌ای بالاتر است و این‌گونه ثواب‌ها، تفضلی است نه استحقاقی و برای ترغیب مردم برای رابطهٔ عاطفی با امام حسین(ع) است، که علت مبقیه برای تشیّع است و به‌قول استاد بزرگوار ما حضرت امام خمینی: دانه می‌ریزند تا کبوتر بگیرند.

چه کنیم در جلسات عزاداری اشکمان جاری شود و دلمان بسوزد؟

در روایات وارد شده است که خشکی چشم در اثر قساوت دل است و قساوت دل در اثر گناه و معصیت است؛[4] بنابراین هر چه گناهان کمتر شود، دل‌هایمان صاف‌تر خواهد شد و هرچه دل‌هایمان صاف‌تر شود، اشک‌هایمان جاری‌تر خواهد بود.

رابطهٔ گریه بر امام حسین(ع) و سیر و سلوک الی الله چیست؟

گریه، عزاداری، توسّل و زیارت، آثار فراوانی دارد که از اهم آن امداد به انسان برای رسیدن به مقام لقاء و فناء است و در حقیقت، بهترین امداد برای شخص سالک در طی نمودن منازل هفت‌گانهٔ سیر و سلوک، همین است.

حکمت عزاداری برای ائمه هدی(ع)، خصوصاً امام حسین(ع) چیست؟

اقامهٔ عزا برای ائمه هدی(ع) و مخصوصاً حضرت سیدالشهداء(ع)، استمرار حرکت بزرگی است که شهادت آن بزرگواران و نیز جریان غم‌انگیز اسارت آل‌الله(ع) هم، در همان روند بوده و آن حرکت عبارت است از عدالت‌خواهی و قیام برای اقامهٔ قسط و اجرای دستورات الهی و فریاد علیه ظلم و تعدّی به حدود الهی؛ بدین جهت عزاداری که ادامهٔ شهادت و اسارت است، شعار تشیّع و یکی از نمادهای بزرگ شیعه‌گری است که همراه با شعور و عبرت و درس‌آموزی است.

هدف از تشکیل هیئت، دسته‌های عزاداری، سیاه‌پوش کردن شهر و برقراری جلسات نوحه‌سرایی و مداحی چیست؟

کلیه این موارد، مصادیق ضروری عزاداری است و از این جهت از افضل اعمال و حتی واجب کفایی است و چنان که گفته شد، شعار تشیع و رمز حیات و استمرار شیعه است. حضرت امام حسین(ع) موجی را در کربلا ایجاد کردند و عیال امام حسین(ع) آن موج را سرتاسری کردند و تأکید بر عزاداری، برای ابقای آن موج است؛ بنابراین برای بقای تشیع، عزاداری، نوحه سرایی و مداحی، بهترین چیزها است.

آیا اصل عزاداری و سوگواری برای ائمه هدی(ع) و امام حسین(ع) مورد تأیید شرع مقدس می باشد یا خیر؟ آیا اهل بیت(ع) خود به عزاداری اهتمام داشته اند یا عزاداری در قرون بعد، وارد تشیع شده است؟

عزاداری برای حضرت سیدالشهداء(ع) از افضل اعمال و قربات الهی است، بلکه واجب کفایی است و مورد تأکید نبی اکرم(ص) و حضرات ائمه هدی(ع) بوده است و اساساً اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، عزاداری را به شیعیان آموخته اند. خود آن بزرگواران بر برپایی جلسات عزای کربلا و گریه و ندبه برای آنان، اهتمام و تأکید داشته اند.[5]

چه فوائد و اثراتی بر عزاداری امام حسین(ع) و زیارت ایشان مترتب است؟

عزاداری ها، رمز بقاء تشیع است. اگر در طول تاریخ عزاداری ها نبود، الان تشیع نبود. علاوه بر اثر مهم احیای تشیع، فواید دیگری نیز در روایات برای گریه و عزاداری بیان شده است از جمله: آمرزش گناهان، ثواب فراوان، عاقبت به خیری، استجاب دعا، ایمنی از عذاب و سختی های قیامت و... [6]

عزاداری و سوگواری در فرهنگ اسلامی تا چه اندازه و به چه کیفیتی مجاز شمرده شده است؟

باید عرفاً مصداق عزاداری باشد و علاوه بر شرع پسند بودن، عرف پسند هم باشد و لذا است که می گوییم: «عزاداری به شکل متعارف»، چنان که حضرت امام خمینی(ره) هم تأکید می فرمودند: «عزاداری به شیوه سنتی».[7]

با توجه به اینکه پوشیدن لباس مشکی مکروه است، سیاه پوشی برای عزای اهل بیت(ع) به خصوص امام حسین(ع) چه حکمی دارد و از چه زمانی مرسوم شده است؟

سیاه پوشی در عزای اهل بیت(ع) مکروه نیست، بلکه مصداق بارز عزاداری است و از افضل اعمال می باشد و از صدر اسلام تا کنون مرسوم بوده است. ائمه طاهرین(ع) نیز با قول و فعل خود، سیاه پوشی در عزاداری را تأیید فرموده و خود به آن عمل می کرده اند.[8]

آیا شهادت امام حسین(ع) و یاران ایشان که ملاقات خداوند و عروج به سعادت ابدی است، باعث حزن و اندوه ماست یا عامل شادی ما می باشد؟

از دیدگاه عقلی، عروج به سعادت ابدی برای آن حضرات و لقاء حق تعالی که منتهای مسئلت آنان بوده، موجب شادی و سرور عقل است و لیکن از حیث عواطف و احساسات بشری، موجب حزن و گریه و عزاست و توجه به هر دو جهت عقل و عاطفه، برای همگان به خصوص نسل جوان، ضروری است؛ زیرا در پرتو همین عواطف و شعارهاست که عقل و شعور انسان به تکامل می رسد و عبرت ها و درس های عاشورا در درون آدمی، رسوخ می کند.

در مراسم ها، آیا نماز جماعت اول وقت مهم تر است یا ادامه عزاداری امام حسین(ع)؟

اقامه نماز اول وقت، به خصوص نماز جماعت، از هر عملی، حتی عزاداری، مهم تر و افضل است و نباید از آن تخلف شود؛ چنان که خود امام حسین(ع) نیز در روز عاشورا و در بحبوحه جنگ، نماز را به جماعت اقامه کردند[9] و در زیارت ایشان نیز می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ».[10]

چند سالی است بسیاری از هیئت های مذهبی ظهر تاسوعا و عاشورا، به اقامه نماز ظهر می پردازند و به سیره حضرت سیدالشهداء(ع) اقتدا می کنند. از آنجایی که هنوز برخی هیئت ها به این مهم بی توجه هستند، توصیه حضرتعالی در این رابطه چیست؟

باید به این امر مهم حیاتی که بحمدالله در میان عزاداران حضرت سیدالشهداء(ع) رونق خوبی گرفته، اهمیت بدهند و این مهم را حتماً رعایت نمایند.

آیا مصادیق گوناگون عزاداری، مانند زنجیرزنی و سینه زنی در شهرها و کشورهای مختلف، مورد تأیید شرع مقدس می باشد؟

هرچه مصداق عزاداری به شکل متعارف باشد، مورد تأیید شرع مقدس است و از افضل اعمال است.

با توجه به اینکه امروزه برخی از مجالس عزاداری، تنها به مداحی و سینه زنی اختصاص پیدا کرده و کمتر معارف ناب شیعه و درس های عاشورا در آن جلسات بیان می گردد، نظر حضرتعالی درباره محتوای لازم برای جلسات عزاداری، چیست؟

زنده نگه داشتن جلسات عزاداری و شرکت با سوز و گداز در آن جلسات، موجب استمرار نهضت امام حسین(ع) است و تشیع را زنده نگه می دارد؛ اما باید دانست که نهضت امام حسین(ع) درس های اخلاقی فراوانی نیز دارد و در حالی که باید عزاداری کنیم و آثار و برکات این رویداد عظیم را زنده نگه داریم، به آن درس ها هم باید توجه و عمل نماییم.

عاشورا، معلم اخلاق است و درس های اخلاقی آموزنده ای نظیر صبر، ایثار، فداکاری و شهادت طلبی را به ما می آموزد؛ لذا شرکت کنندگان در جلسات عزاداری باید از مصائبی که راجع به شهدای گرانقدر کربلا و اسارت آل الله بیان می شود، سرمشق های اخلاقی بگیرند و در زندگی به آنها عمل کنند تا رستگار شوند.

بانیان و مجریان این جلسات نیز باید در نظر داشته باشند که عزاداری همراه با معرفت و شناخت، باعث ارتقای معنویت و اخلاق و تکامل مخاطبان، به خصوص نسل جوانان می شود و استفاده از سخنرانی خوب برای بیان معارف اسلامی در زمینه

اعتقادات، احکام و اخلاق لازم است.

چرا برای زنده نگه داشتن عاشورا و راه امام حسین(ع) به جلسات سخنرانی، همایش و گفتگو، اکتفاء نمی‌شود و روضه، گریه، سیاه پوشی و عزاداری برگزار می‌شود؟

عزاداری به شور ویژه و مخصوص خود نیاز دارد؛ البته شور همراه با شعور و در چهارچوب شرع. شور و شعور و شرع در عزای حسینی به هم آمیخته است و به همین دلیل هم از افضل اعمال و قربات الهی است. وقتی شاعری در حضور امام صادق(ع) مرثیه خوانی کرد، حضرتش به وی فرمود: «همان طوری که در مجالس خود با حالت شور و عزا می‌خوانید، بخوان.[11]» در عزاداری‌ها، باید آخر سخنرانی، ذکر مصیبت باشد و آن نظیر نمک در غذاست و مراعات این امر شعار شیعه است و نباید به فراموشی سپرده شود و نباید تضعیف گردد.

مجالس عزاداری امام حسین(ع) چگونه می‌تواند باعث تهذیب نفس و ارتقای کمالات اخلاقی در انسان شود؟ به عبارت دیگر چگونه می‌توانیم ضمن شرکت در عزاداری و گریه کردن و سینه‌زدن، از نظر اخلاقی هم پیشرفت کنیم؟ راهکار آن، تفکر و تأمل در روش زندگانی اهل بیت(ع) و سرمشق قراردادن سیره آن بزرگواران در زندگی است. مثلاً عزاداران، ضمن شرکت در مجالس عزاداری، باید توجه کنند که امام حسین(ع) در روز عاشورا، در آن بحبوحه جنگ، نماز جماعت خواندند، پس شیعه ایشان هم باید به نماز اهمیت بدهد. در عزاداری‌ها می‌فهمیم که امام حسین(ع) به‌خاطر دین، همه هستی خود، حتی بچه شیرخوار را در راه خدا فدا کردند، پس ما نیز باید درباره دین، از هیچ کوششی دریغ نکنیم و لااقل در حفظ دین خود و اطرافیان کوشا باشیم. ایثار شهدای کربلا را ببینیم و در رابطه با دیگران، ایثار و گذشت و فداکاری داشته باشیم. بنابراین، حتی در یک شبانه‌روز یا یک جلسه عزا، انسان می‌تواند جداً خود را اصلاح کند و با برقراری رابطه عاطفی با امام حسین(ع)، از نظر اخلاق و سیروسلوک پیشرفت نماید و خود را مهذب سازد.

خرافات موجود در عزاداری‌های مذهبی، در حال حاضر کدام است؟

تشریفات، گریه‌های افراطی، مداحی‌های دروغ، نی‌زدن، به کار بردن آلات موسیقی و مانند این‌ها، خرافات است. برخی از ذاکرین در مدایح اهل بیت(ع) تعبیراتی مانند «مست مستم من، هرچه بادا باد، علی پرستم من، همچو زهرا مادرت از همه خوشگل‌تری، حسین اللهی‌ام، سگ حسینم و...» را به کار می‌برند که به نظر می‌رسد با شأن اهل بیت(ع) و حتی عقاید شیعه، منافات دارد. به کار بردن این الفاظ چه صورت دارد و حکم شرکت در این مجالس چیست؟ این‌گونه کلمات نه تنها جایز نیست، بلکه شبهه به کلمات شیطانی است، در حالی که در مراسم توسل و عزاداری که از افضل قربات است، باید با کلمات رحمانی سخن گفت. از برخی از این تعبیر، برداشت شرک‌آلود می‌شود و گفتن کلمات نامناسب که مربوط به افراد خاص است، در حق ائمه طاهرين(ع)، حرام است و مورد غضب حضرت ولی عصر(عج) است. عزاداری، باید متعارف و به شکل سنتی باشد و سوژه و بهانه دست بدخواهان تشیع ندهد. شرکت در این‌گونه جلسات نیز خوب نیست و اگر تأیید کار آنها شمرده شود، جایز نیست.

خواندن شعر و موسیقی با سبک غربی یا با ترانه، با مضمون‌های اخلاقی یا با مضمون شهادت و عاشورا و انقلاب و نظایر آن، چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان به آنها گوش داد؟

خواندن و گوش دادن حرام است.

در برخی مجالس عزاداری، مداحان با الفاظ نامناسب به ائمه(ع) خطاب می‌کنند یا عزاداران، به عنوان عزاداری، به صورت خود چنگ انداخته یا زنجیر خاردار می‌زنند و بر بدن و لباس آنان خون جاری شده و لباس و بدن و منزل دیگران را نجس می‌کنند، از آنجایی که این‌گونه روش‌ها در حال ترویج بوده و مجالس را از وزانت و معنویت تهی ساخته، چه بسا موجب وهن مقدسات می‌شود، تکلیف ما را در این رابطه روشن فرمایید؟

این‌گونه حرف‌ها و روش‌ها نباید باشد و به‌طور کلی باید متروک شود و شأن عزاداری‌ها که از بهترین عبادات است، محفوظ بماند.

قمه زنی برای ابا عبدالله الحسین(ع) یا سایر ائمه(ع) چه حکمی دارد؟

حرام است؛ علاوه بر این، در این زمان وهن برای تشیع است و همچنین هرچه نظیر قمه‌زنی است، مانند زنجیر تیغ‌دار. ضمن آنکه مراعات قوانین هر مملکتی، مخصوصاً قوانین جمهوری اسلامی، واجب است.

آیا قمه زدن به‌طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف حضرتعالی عمومیت دارد؟

جایز نیست.

برهنه شدن مردان در هنگام عزاداری چه حکمی دارد؟ اگر زنان نامحرم حضور داشته باشند، چه حکمی دارد؟

اگر در حضور نامحرم باشد و یا به‌طور کلی احتمال مفسده وجود داشته باشد، جایز نیست و چنان‌که گفته شد عزاداری‌ها باید به صورت متعارف برگزار شود.

آیا آنچه متداول شده که به عنوان عزاداری برای امام حسین(ع) گوشت بدن خود را سوراخ کرده، قفل و سنگ به آن آویزان می‌کنند، جایز است؟

جایز نیست و این‌گونه امور باید متروک شود.

بالا و پایین پریدن در هنگام عزاداری و سینه زنی که به هروله معروف شده است، چه حکمی دارد؟

عزاداري‌ها بايد به شكل متعارف باشد و انجام اعمال و حرکات غيرمتعارف، موجب وهن و نيز سبب بدآموزي است.

بسيار ديده شده، مردم براي گرفتن يك ظرف غذا، در محلّ عزاداري امام حسين(ع) صف‌هاي طولاني مي‌بنند، آيا غذا، چايي و ساير خوردني‌ها که در جلسات عزاداري توزيع مي‌شود، خاصيت ويژه‌اي دارد و آيا اين کار صحيح است؟

بنابر آنچه ذکر شده، به دليل آنکه مربوط به حضرت سيّدالشهداء(ع) است، خاصيت ويژه دارد، لکن اين کار خوب نيست، زيرا موجب بدآموزي است و نبايد عزاداران و شييعان کاری کنند که انگشت‌نما شوند و بهانه به‌دست بدخواهان بدهند و اگر موجب ضربه خوردن به شخصيت آنها باشد، جايز نيست.

از ساختمان حسينيّه صدي قرائت قرآن و مجالس عزاداري پخش مي‌شود، به‌طوري که صدي بلند آن بيرون از حسينيّه هم شنيده مي‌شود و اين امر موجب سلب آسايش همسايمان شده است و مسئولين و سخنرانان حسينيّه اصرار به ادامه آن دارند، اين عمل چه حکمي دارد؟

بايد صدي عزاداري و قرائت قرآن موجب مزاحمت نباشد؛ مخصوصاً در ساعات دير وقت.

[1]. المزار الكبير، ص 501: «فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ لِتُبْكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا - صبح شام بر تو ندبه و گريه مي‌کنم (و اگر اشک چشمم تمام شود) به‌جای اشک، بر تو خون خواهم گريست».

[2]. کامل الزيارات، ص 100 تا 104.

[3]. فرقان، 70: «خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل مي‌کند».

[4]. علل الشرائع، ج 1، ص 81: اميرالمؤمنين(ع) فرمودند: «مَا جَعَلَ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الدُّثُوبِ - اشک چشم‌ها خشک نمي‌گردد، مگر به‌واسطه قساوت قلب و کسی قسّ القلب نمي‌شود مگر از زيادی گناهان».

[5]. در روايات بسياری، حضرات معصومين(ع) بر عزاداري و گريه براي امام حسين(ع) تأکيد فرموده و خود به آن اقدام مي‌کردند. از آن جمله:

حضرت زهرا(س): امام صادق(ع) به ابابصير فرمودند: «يَا أَبَا بَصِيرٍ إِنَّ فَاطِمَةَ(س) لَتُبْكِيهِ وَ تَشْهَقُ فَتَرْفُرُ جِهَتَهُمْ زَفْرَةً ... فَلَا تَسْكُنُ حَتَّى يَسْكُنَ صَوْتُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ - ای ابو بصير! فاطمه(س) بر آن حضرت گريست و زجه زده و به دنبال آن جهتم فریادی کشید و... در عين حال دوزخ ساکت و آرام نمي‌شود مگر صدي فاطمه(س) آرام گردد.» [کامل الزيارات، ص 82]

امام سجّاد(ع): امام صادق(ع) در وصف حضرت امام سجّاد(ع) به زراره فرمودند: «وَ كَانَ جَدِّي إِذَا ذَكَرَهُ بَكَى حَتَّى تَمْلَأَ عَيْنَاهُ لِحَيْتَهُ وَ حَتَّى يَبْكِيَ لِبُكَائِهِ رَحْمَةً لَهُ مِنْ رَأَاهُ - جدم هرگاه امام حسين(ع) را به‌ياد مي‌آورد، آن قدر اشک مي‌ريخت که محاسن شريفش پر از اشک مي‌شد و حاضران از گريه او به گريه مي‌افتادند.» [کامل الزيارات، ص 81] همچنين رک: مثير الاحزان، ص 115؛ تاريخ مدينة دمشق، ج 41، ص 386.

امام باقر(ع): در يکی از مجالس عزاء، وقتي کميت شاعر، شعر خود را براي امام باقر(ع) خواند، حضرت گريستند و فرمودند: «يَا كَمِيتُ، لَوْ كَانَ عِنْدَنَا مَالٌ لَأَعْطَيْنَاكَ، وَ لَكِنْ لَكَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) لِحَسَّانِ بْنِ ثَابِتٍ: لَا زِلْتَ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا ذُبَّتْ عَنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ - اي کميت! اگر سرمايه‌اي داشتيم در پاداش اين شعرت به تو مي‌بخشيديم؛ اما پاداش تو همان دعائي است که پيامبر(ص) درباره حسّان بن ثابت فرمودند که همواره به روح‌القدس تأييد شده‌اي تا وقتي که از ما اهل‌بيت دفاع مي‌کنی.» [مروج الذهب، ج 3، ص 229] همچنين آن حضرت براي عزاداري روز عاشورا خطاب به علقمه فرمودند: «يَا عَلْقَمَةُ وَ انْدُبُوا الْحُسَيْنَ(ع) وَ ابْكُوهُ وَ لِيَأْمُرَ أَحَدُكُمْ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ لِيَقُمْ عَلَيْهِ فِي دَارِهِ الْمُصِيبَةَ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ وَ تَلَاوُفًا يَوْمَئِذٍ بِالْبُكَاءِ بَعْضُكُمْ إِلَى الْبُيُوتِ وَ حَيْثُ تَلَاقْتُمْ وَ لِيَعْرِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ(ع) - ای علقمه! برای امام حسين(ع) ندبه و گريه کنيد و هر کدام از شما، به کسانی که در خانه او هستند، امر نمايد که برای آن حضرت بگريند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه‌اش اقامه مصيبت نمايد و مواظب باشند هرگاه اهل خانه يك ديگر را ملاقات کردند، با گريه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی ديگر را نسبت به مصيبت حضرت ابا عبد الله الحسين(ع) تسليت دهند.» [مستدرک الوسائل، ج 10، ص 316]

امام صادق(ع): امام صادق(ع) در جلسه عزاداري که براي امام حسين(ع) برپا کرده بودند، به يکي از اصحاب خود به نام اباهارون فرمودند: درباره امام حسين(ع) برايم شعري بخوان. اباهارون برای آن حضرت شعري خواند. حضرت فرمودند: نه، آن طور که در جمع خودتان می‌خوانی و به همان نحو که در کنار قبر آن حضرت (حضرت امام حسين(ع)) مرثيه می‌خوانی، بخوان. ابوهارون می‌گويد: پس شعر ذيل را [که از سيّد حميري است] برای آن حضرت خواندم:

«أَمُرُّ عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزُّكِّيَّةُ»

(بر سر قبر امام حسين(ع) مرور کن و به استخوان‌های پاک و پاکيزه‌اش بگو)

فلما بکی، أُمِسْتُ أَنَا، فَقَالَ: مَرُّ فَمَرَرْتُ، قَالَ ثُمَّ قَالَ: زِدْنِي، زِدْنِي. قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ:

يَا مَرْيَمُ قُومِي فَأَنْدُبِي مَوْلَاكَ وَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَأُسْعِدِي بَيْتَاكَ

قَالَ فَبَكَى وَ تَهَاجَى الْيَسَاءُ قَالَ فَلَمَّا أَنْ سَكَنَتْ قَالَ لِي يَا بَا هَارُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ(ع) فَأَبْكِي عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِدًا حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ- فَقَالَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبْكِي وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ قَالَ مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ - ابوهارون مگويد: وقتي حضرت گريستند، من خودداری کرده و خواندن را متوقف نمودم؛ پس حضرت فرمودند: مابقی اشعار را

بگو. وقتی مابقی اشعار را گفتم، فرمودند: بیشتر برایم بخوان، بیشتر برایم بخوان. ابو هارون می‌گوید: پس این بیت را خواندم: (ای مریم بایست و بر سرور خود ندبه و زاری نما، زاری کن بر حضرت حسین(ع) و با این زاری و گریه خود، او را نصرت و یاری نما)

ابو هارون می‌گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریستند و زنان پشت پرده نیز شیون و زاری کردند. وی می‌گوید: وقتی بانوان آرام گرفتند، حضرت به من فرمودند: ای ابا هارون! کسی که در مرتبه حضرت امام حسین(ع) شعر بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است سپس حضرت نفرات گریه‌کنندگان را یکی‌یکی کاهش داده تا به «یک نفر» رسیدند و فرمودند: کسی که در رثاء حضرت حسین(ع) شعر خوانده و یک نفر را بگریاند، بهشت برای اوست. سپس فرمودند: کسی که یاد امام حسین(ع) نموده و برای آن حضرت بگرید، بهشت برای او است.» [کامل الزیارات، ص 105 و 106]

همچنین آن حضرت می‌فرمودند: «كُلُّ الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) - هر گریه و ناله‌ای ناپسند است به جز گریه و شیون برای امام حسین(ع).» [امالی الطوسی، ص 162] خودشان نیز در روز عاشورا، به شدت گریه و عزاداری می‌کردند: «دَخَلْتُ عَلَى مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ مُتَغَيِّرُ اللَّوْنِ وَ دُمُوعُهُ تَنْحَدِرُ عَلَى خَدَّيْهِ كَالْمُؤَلُّو» [بحار الأنوار، ج 98، ص 309]

امام رضا(ع): دعبل خزاعي نقل می‌کند: «دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (ع) فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جَلِيسَةَ الْحَزِينِ الْكَثِيبِ وَ أَصْحَابَهُ مِنْ حَوْلِهِ ... ثُمَّ إِنَّهُ (ع) نَهَضَ وَ ضَرَبَ سِتْرًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ حَرَمِهِ وَ اجْلَسَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ لِيَبْكُوا عَلَى مُصَابِ جَدِّهِمُ الْحُسَيْنِ (ع) ثُمَّ التَقْتُ إِلَيْهِ وَ قَالَ لِي يَا دُعِيلُ ارْثِ الْحُسَيْنَ فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَ مَا دَحْنَا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تُقْصِرْ عَنْ تَصْرُتِنَا مَا اسْتَطَعْتَ قَالَ دُعِيلُ فَاسْتَعْبَرْتُ وَ سَأَلْتُ عَبْرَتِي وَ أَنْشَأْتُ أَقُولُ:

أُفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطَشَانَا بِشَطِّ فِرَاتٍ»

در چنین ایامی خدمت سید و مولای خود علی بن موسی الرضا(ع) رسیدم، دیدم اندوهناک و غمگین نشسته و اصحابش گرد اویند، ... سپس برخاست، پرده میان ما و زنان حرم کشید و خانواده خود را پس پرده نشانید تا در مصیبت جدشان حسین(ع) گریه کنند. سپس به من رو کرد و فرمود: ای دعبل، برای حسین(ع) نوحه‌سرایی کن، تو تا زنده هستی یار و مداح ما باش و تا توانی از یاری ما کوتاهی مکن، دعبل گوید: اشکم روان شد و سرودم:

«أُفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطَشَانَا بِشَطِّ فِرَاتٍ»

(ای فاطمه آیا دیدی آغشته به خون فرزند، بر شط فرات عطشان، او را به ستم کشتند؟) [بحار الأنوار، ج 45، ص 207]

امام رضا(ع) خطاب به ابن شیبب فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبَبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكْ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) ای پسر شیبب! اگر می‌خواهی بر چیزی گریه کنی، بر حسین بن علی ابن ابی طالب (گریه کن [عیون اخبار الرضا(ع)، ج 1، ص 299] همچنین آن حضرت فرمودند: «مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابَتَا وَ بَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِمَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذَكَرَ بِمُصَابَتَا فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعَيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ - هر کس مصیبت‌های ما را به یاد آورد و برای ظلم‌هایی که به ما شده، بگرید یا دیگران را بگریاند، در قیامت با ما خواهد بود و کسی که برای مصائب ما گریان شود، در روزی که تمام چشم‌ها E F گریان است، چشمش گریان نخواهد بود و هر کس در مجلسی بنشیند و در آنجا امر ما را زنده کند، قلبش در روزی که قلب‌ها می‌میرد، نخواهد مرد.» [امالی الصدوق، ص 73] و نیز فرمودند: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيُبْكِ الْبَاكُونَ - بر مانند امام حسین(ع)، گریه‌کنندگان باید بگریند.» [امالی الصدوق، ص 128]

خود امام حسین(ع) فرمودند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ - من کشته اشکم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند مگر آنکه با یاد من، گریه می‌کند.» [امالی الصدوق، ص 137]

[6]. رک: کامل الزیارات، ص 100 تا 106؛ بحار الأنوار، ج 44، ص 273 تا 296.

[7]. صحیفه امام، ج 17، ص 498: «... آن روضه‌های سستی را سر جای خودش نگه دارید.»

[8]. پس از شهادت امیرالمؤمنین(ع)، امام مجتبی(ع) با لباس سیاه میان مردم حاضر شدند و برای آنان خطبه خواندند. [شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 22] وقتی ام سلمه از خبر شهادت امام حسین(ع) آگاه گردید، لباس سیاه پوشید و خیمه سیاهی برای عزاداری آن حضرت در کنار قبر پیامبر اکرم(ص) برپا نمود. [عیون الأخبار و فنون الآثار، ص 109]

F هنگامی که اسراء در شام حضور داشتند و یزید برای ظاهرسازی اجازه عزاداری به اهل بیت(ع) داد، همه اسیران برای امام حسین(ع) سیاه پوشیدند و مجالس عزاداری و نوحه برپا کردند: «... وَ لَمْ تَبْقَ هَاشِمِيَّةٌ وَ لَا قُرَشِيَّةٌ إِلَّا وَ لَيْسَتْ السَّوَادُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ تَذْبُوهُ عَلَى مَا ثَقُلَ سَبْعَةُ أَيَّامٍ.» [بحار الأنوار، ج 45، ص 196]

همچنین در روایت آمده است: «لَمَّا قَتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) لَيْسَ نِسَاءً بَنِي هَاشِمِ السَّوَادَ وَ الْمُسُوحَ وَ كُنَّ لَا يَشْتَكِينَ مِنْ حَرٍّ وَ لَا بَرَدٍ وَ كَانِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَأْتَمِ - وقتی حسین بن علی(ع) کشته شد زنان بنی هاشم لباس مشکی پوشیدند. از گرما و سرما شکایتی نداشتند. حضرت علی بن حسین(ع) به علت اینکه آنان ماتم زده بودند، برای ایشان غذا درست می‌کرد.» [المحاسن، ج 2، ص 420]

[9]. بحار الأنوار، ج 45، ص 21؛ مقتل الحسين(ع)(الخوارزمي)، ج 2، ص 20.

[10]. الکافی، ج 4، ص 574: «شهادت می‌دهم که تو نماز را اقامه و برپا کردی.»

[11]. کامل الزیارات، ص 104 و 105: «يَا أَبَا هَارُونَ أَتَشِدُّنِي فِي الْحُسَيْنِ (ع). قَالَ فَأَتَشَدُّهُ فَبَكَى، فَقَالَ أَتَشِدُّنِي كَمَا تَشِدُّونَ يَعْنِي بِالرَّقَّةِ - ای ابا هارون آیا شعری در مصیبت امام حسین(ع) برایم می‌خوانی؟ ابا هارون می‌گوید: پس برای آن حضرت

شعری خواندم و آن حضرت گریستند. سپس فرمودند: همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه میخوانید برایم بخوان؛ یعنی با رقت و شور».